بررسی کارکردها و آثار فردی دین (قسمت اول)

پدید آورنده : امان الله فصیحی ، صفحه 6

مقدمه:

امروزه موضوع دین یکی از مهم ترین موضوعات مورد بررسی در بین اندیشمندان و به ویژه جامعه شناسان است. اندیشمندان غربی پس از رنسانس نگاهی دگرگونه به دین نمودند و تمام توان خود را بر حذف آموزه های دینی از زندگی بشر معطوف داشتند. آنان دین را در چهار دیواری دل انسانها محصور نموده و تا جایی که توانستند آن را به یک ویژگی فردی تنزل دادند که هیچ کارآیی در بالا بردن تواناییهای فرد و جامعه ندارد.

این نوشتار بر آن است تا کارکردهای فردی و اجتماعی دین را بر شمارد.

کارکردهای دین

کارکردهای دین را به دو دسته کلی می توان تقسیم کرد که عبارتند از: کارکردهای فردی (روانی) و کارکردهای اجتماعی.

الف. کارکردهای فردی دین

مراد از کارکردهای فردی دین آن دسته از کارکردها است که مربوط به حالتهای فردی است و ربطی به جامعه و اجتماع بشری ندارد. این کارکردها عبارتند از:

1. معنا بخشی به زندگی

انسان در این دنیای مادی با انواع دردها، سختی ها، مشقت ها و ناملایمات همانند مرگ، شرور و رنجهای طبیعی و اجتماعی مواجه است که هیچ راه چاره و فراری از آنها فرا روی بشریت گشوده نیست. این مسائل باعث می شود سؤالات اساسی نسبت به فلسفه زیستن، یعنی مبدأ، حال و غایت در اذهان انسانها شکل بگیرد، که در صورت مدلل و موجه نشدن این سختی ها و گرفتاریها در سایه پاسخ گویی دقیق به پرسش های بنیادی، زندگی برای انسان بی معنی و نامعقول و جهان هستی به یک عالم بیهوده مبدل خواهد شد. از این رو بشر از بدو پیدایش تاکنون بدنبال جست جوی یک منبع معنی زا بوده است و آنچه که در طول حیات متمادی خود بدان نایل گردیده این است که هیچ منبع ثابت و متقنی جز دین که تولید کننده معنی باشد وجود ندارد؛ زیرا دین از یک سو انسان را با یک جهان فرامادی و فرا طبیعی و از سوی دیگر با یک عالم پسا این جهانی که ظرف زندگی و سعادت حقیقی انسان است، مرتبط می کند و این ارتباط دو بعدی باعث می شود که حیات مادی و این جهانی انسان معنی و مفهوم خاصی به خود بگیرد؛ زیرا با اعتقاد به این دو عالم است که سؤالات اساسی وی پاسخ داده شده و زندگی هدفمند می گردد؛ از این طریق است که تحمل سختی ها و گرفتاریها برای انسان آسان می شود؛ چه آنکه از یک سو موقتی است و از سوی دیگر توسط آفریدگار هستی جبران خواهد شد.

قرآن می فرماید: «فَإنَّ مَع الْعُسْرِ یُسْرا»؛ «بی گمان با سختی، آسانی است.»

یا (لِکَیلا تَأسَوْا عَلی ما فَاتَکُم وَ لا تَفْرُحوا بِمَا ءَاَتَاکُم وَ اللّهُ لا یُحِب کُلَّ مُخْتالٍ فَخُورٍ»؛ «تا به آنچه از دست شما رفته اندوهگین نشوید و به (سبب) آنچه به شما داده است شادمانی نکنید، و خدا هیچ خودپسند فخر فروشی را دوست ندارد».

بدین سان اوّلاً دین به معمای اشکال شرور در جهان هستی، پاسخ قانع کننده ارائه می دهد، و ثانیا دنیا و هستی با مرگ پایان نمی یابد؛ بلکه مرگ دریچه ای به سوی حیات مطبوع و سرمدی است.

جامعه شناسان دین نیز به این کارکرد دین توجه نموده و معتقدند که دین به عنوان نیازی فراتر از دیگر نهادهای اجتماعی به گرفتاریهای وجودی انسان معنی خاص می بخشد؛ زیرا فرد را به قلمرو فرا فردی ارزش متعالی وابسته می سازد. به تعبیر رابرتسون دین نوعی اعتقاد به قضا و قدر ایجاد می کند که با آن به سؤالهای همیشگی درباره وجود و هستی پاسخ معنی دار و غایی می دهد. مردم در هر جا این نیاز را احساس می کنند که از طریق معنیهای غایی، زندگی خود را تداوم می بخشند و در اکثر جوامع این پاسخ ها در انحصار مذهب و دین است.

2. تسلی دهی و آرام بخشی

دومین اثر روانی دین تسلی دهی و آرام بخشی آن است. قرآن یاد خدا و ذکر او را عامل آرام بخشی انسان معرفی نموده است. به عبارت دیگر از نظر قرآن متغیر مستقل آرام بخشی یاد و ذکر خداوند است. خداوند در این مورد می فرماید:

(اَلا بِذِکْرِ اللّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبْ)

ویل دورانت می گوید: «دین برای تیره بختان و رنجیدگان، محرومان و سالخوردگان تسلای فوق طبیعی آورده است؛ تسلاّیی که در نظر میلیونها انسان شریف تر و ارزنده تر از هر گونه مساعدت طبیعی بوده است... حقیرترین زندگیها را معنی و شکوه بخشیده است.»

او در کتاب لذات فلسفه در همین مورد از نیچه نقل قول می کند که «تبدیل شدن بدبختیها به خوشبختی ها او را به اعتقاد به خدا تحریک و اغوا می کند.»

از نظر فروید با اینکه دین ناشی از جهل بشر به علت پدیده ها و ترس او از آنها می باشد اما در عین حال آن را دارای کارکرد جبران کننده و تسلی بخش در برابر محرومیت و فشارهای ناشی از فرهنگ و تمدن می داند. «اکنون وظیفه خدایان این می شود که کاستی ها و زیانهای تمدن را ترسیم کنند و باید به رنجهایی بپردازند که انسانها در زندگی اجتماعی شان و در مراقبت از اجرای احکام سرپیچی ناپذیر تمدن برای همدیگر به بار می آورند.»

در جای دیگر فروید می گوید: «چگونه این اصولی را که نمی توانیم رد کنیم، نپذیریم و بدان ایمان نیاوریم به ویژه که دلایل و شواهدی نیز بر حسن و فایده پای بر جا بودنشان متصور است، همچون حفظ سنن و رسوم، جنبه همگانی داشتن و از همه مهم تر آن نیروی تسکین دهنده و نظم آور این معتقدات که همواره مثالهایی از آن را در هر زمانی می توان مشاهده کرد.

بنابراین از نگاه فروید، دین با ارائه تصویری از نظم جهانی که در آن هر چیز معنایی دارد و سر جایش قرار گرفته و هیچ چیزی تصادفی و خود سرانه نیست، نقش جبران کننده و تسلی بخشش را ایفا می کند هم گناهکاران در دراز مدت به کیفر خواهند رسید و هم آنهایی که به نادرستی به تنعیم رسیده اند در موقع مقتضی مکافات شان را دریافت خواهند کرد.

البته باید توجه داشت که فروید آثار منفی را نیز برای دین بیان نموده است که آن را عامل ترس، هراس، وسواس، اضطراب و مانع ترقی و پیشرفت می داند و با سلطه یافتن خود در جامعه عامل تجویز می گردد.

حرفهای این افراد گر چه نسبت به ذات و ماهیت دین بیهوده و باطل است اما نسبت به کارکرد دین قابل توجه است و می توان به عنوان تأیید از آن استفاده کرد؛ به ویژه اگر این حرفها بر مطالعات تجربی مبتنی باشد.

دکتر علی شریعتی نیز در مورد نقش مذهب در آرام بخشی آن چنین می گوید: «در هر جامعه ای اصول مذهب به عنوان «این است و جز این نیست» و به عنوان حقایق متعالی که از آسمان آمده و هیچ شکی در آن نیست از نظر همه افراد آن دوره پذیرفته شده بود و این روح اطمینان و نقش ایمان و شک ناپذیر زندگی مردم را آرامش می داد. بی جهت نیست که در توده مردم متدین خودمان و در طول قرون وسطی در غرب آنچه که وجود ندارد اضطراب است؛ زیرا دین با مجموعه آنچه که فرا گرفته بود به اسم سنتهای اجتماعی و روابط انسان و اخلاق و عقاید می توانست نیاز معنوی و فکری پیروان خویش را برطرف کند.

بنابراین یکی از کارکردهای روانی دین تسلّی دهی و آرامش بخشی آن در برابر ناملایمات و سختی های زندگی است.

3. جدیت بخشی

یکی از کارکردهای روانی دین جدیت بخشی آن است. قرآن با ارائه تصویر درست از جهان به انسان جدیت می بخشد و انسان را در برابر مشکلات زندگی مقاوم می سازد. به عنوان نمونه خداوند در آیه پنج سوره شرح می فرماید هر سختی آسانی است؛ اعتقاد به این اصل هیچ وقت انسان را در برابر مشکلات ناامید نمی سازد و همیشه او را مقاوم نگه می دارد و این مسئله باعث بهداشت روانی انسان می گردد. خداوند در جای دیگر می فرماید:

(وَ عَسی أن تَکْرهوا شَیئا وَ هُوَ خَیر لَکُم وَ عَسی أن تُحِبوا شَیئا وَ هُوَ شَر لَکُم).

طبق این آیه تحمل بسیاری از مشکلات برای انسان آسان می گردد؛ زیرا به ظاهر مشکل به نظر می رسد و در حقیقت خیر است نه مشکل. بنابراین انسان همیشه با جدیت زندگی خود را ادامه خواهد داد.

3. وقار و بردباری

کارکرد دیگر دین در بعد فردی دادن وقار و بردباری به انسان در برابر ناملایمات و خوشیها است؛ زیرا انسان چنانچه قرآن هم می فرماید موجودی است که نه تحمل درد و رنج را دارد و نه تحمل خوشی و نعمت را، از این رو دین با تعلیمات و دستورات خود به انسان صبر و وقار می دهد. قرآن در آیات فراوان به صبر و حلم دعوت نموده است و نیاز به ذکر آن نیست. علاوه بر این نفس اعتقاد به خداوند، روز جزا و اعتقاد به اینکه ما عین فقر و نیاز هستیم و هر آنچه داریم از خداوند است باعث می شود که انسان همواره بردباری و وقار خود را در برابری نعمتها و بلاها حفظ کند.

4. نشاط بخشی و امید به رستگاری

انسان در بحبوحه زندگی این جهانی با گرفتاریهایی دست و پنجه نرم می کند که گاهی امید و آرزوهای زندگی را از انسان می گیرد. در چنین مواقع دین تنها عاملی است که امید از دست رفته انسان را به او بر می گرداند؛ زیرا دین در جاهای مختلف نقش خود را نجات و رستگاری انسان معرفی نموده است؛ یعنی از نظر قرآن تنها عامل نجات و رستگاری انسان عمل به دستورات دین است.

چنانچه ویلیام جیمز می گوید: «هنگامی که در نزد زندگی همه امیدها بر باد می رود وقتی که دنیا به آدمی پشت می کند احساسات مذهبی دست اندر کار شده در اندرون ما چنان شور و هیجان بر پا می سازد که ما را جوان کرده و زندگی درونی ما را که تیره و تار گشته بود دگرگون می سازد و میدان پر دامنه و پر شور و حرارت معنوی به همه چیز غلبه می کند. در اینجاست که اخلاق سر فرود آورده و میدان را برای رقیب خالی می کند، به دار الأمن مذهب که رسیدیم می بینیم که همه تلاشها و ناراحتیها در جلو خود آینده ای از سعادت ابدی داشته و سرود دل انگیز هماهنگی جهان هستی، مدام گوش دل ما را می نوازد؛ این احساس لذت مدام و مطلق در هیچ جا جز از مذهب یافت نمی شود... مصیبت و گرفتاری برای فرد مذهبی معنی ندارد.

5. تقویت فداکاری و از خود گذشتگی

انسان در جهانی زندگی می کند که از یک سو در بسیاری مواقع فداکاری و از خود گذشتگی لازم و ضروری می گردد و از سوی دیگر به علت علاقه ای که انسان به خودش دارد به او اجازه از خود گذشتگی و فداکاری نمی دهد. هیچ چیزی در انسان این خصوصیت و روحیه را جز دین نمی تواند ایجاد کند. متون دینی در جاهای مختلف انسان را به فداکاری و ایثار دعوت نموده و به بیان دیگر دین تنها عاملی است که زمینه ساز ایثار و فداکاری انسان در مواقع لزوم است و شواهد فراوانی در تاریخ وجود دارد که افراد در سایه دین از خود گذشتگی کرده اند.

جیمز می گوید: «مذهب، فداکاریها و از خود گذشتگی ها و خویشتن داریهایی را که در زندگی ضرورت دارد آسان و دلنشین می سازد و پذیرفتن آن را سعادت می شمارد. اگر مذهب نتیجه ای جز این نداشته باشد باز مهم ترین عامل زندگی است.

ادامه دارد

پی نوشتها:

1. سوره شرح (94) آیه 5.

2. سوره حدید (57) آیه 23.

3. سوره رعد (13) آیه 28.

4. لوئیس کورز، اندیشه بزرگان جامعه شناسی، ص 200.

5. یان رابرتسون، درآمدی بر جامعه، ص 336.

6. ویل دورانت، دین و تاریخ، ص 204.

7. ویل دورانت، لذات فلسفه، ص 441، 442.

8. زیگموند فروید، آینده یک پندار، ص 186.

9. ملکم همیلتون، جامعه شناسی دین، ص 102.

10. زیگموند فروید، آینده یک پندار، ص 330 - 339.

11. زیگموند فروید، آینده یک پندار، ص 435 - 438.

12. علی شریعتی، تاریخ و شناخت ادیان، ص 8 و 9.

13. سوره بقره (2) آیه 216.

14. مقصود فراستخواه، دین و جامعه، ص 178.

15. همان، ص 172 و 173.

منابع:

1. قرآن کریم

2. بیتس، دانیل، هفت نظریه در باب دین، محمد عزیز بختیاری، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، 1383.

3. تی.تی باتی مور، جامعه شناسی، سید منصور و سید حسین کلچاهی، تهران، امیرکبیر، 1370.

4. جیمز، ویلیام.

5. دورکیم، امیل، صورت بنیانی حیات ابتدایی دین، باقر پرهام، تهران، نشر مرکز، چ اول، 1383.

6. دورانت، ویل، لذات فلسفه، عباس زریاب، تهران، شرکت سهامی، 1371.

7. دورانت، ویل، دین و تاریخ، عباس زریاب، تهران، شرکت سهامی، 1368.

8. رابرتسون، یان، درآمدی بر جامعه، حسین بهروان، مشهد، آستان قدس، 1373.

9. ریمون، آرون، مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه شناسی، باقر پرهام، تهران، انتشارات علمی ـ فرهنگی، 1381.

10. شریعتی، علی، تاریخ و شناخت ادیان، تهران، شرکت انتشار، چ ششم، 1376.

11. فراستخواه، مقصود، دین و جامعه، تهران، شرکت سهامی انتشار، 1377.

12. فروید، زیگموند، آینده یک پندار، هاشم رضی، تهران، آسیا، 1357.

13. کوزر، لوئیس، اندیشه بزرگان جامعه شناسی، محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی، 1379.

14. گی روشه، کنش اجتماعی، هما زنجانی، مشهد، دانشگاه فردوسی، 1367.

15. همیلتون، ملکم، جامعه شناسی دین، محسن ثلاثی، تهران، انتشارت تبیان، 1377.